



هنر تیم نجات در جنگ

مؤلف:

سرگرد علی زهره



نشر راشدین

Rashadin Publications

سرشناسه : زهره ، علی ، ۱۳۳۶ -
 عنوان و نام : هنر تیم نجات در جنگ (خاطرات سرگرد علی زهره)
 پدیدآور :
 مشخصات نشر : تهران : راشدین ، ۱۳۹۴
 مشخصات : ۸۴ ص.
 ظاهری :
 شابک : 978-600-361-168-9
 وضعیت :
 فهرست نویسی :
 یادداشت :
 فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir>
 قابل دسترسی است
 شماره : ۳۸۳۳۸۲۶
 کتابشناسی ملی :



■ انتشارات راشدین

عنوان کتاب:	هنر تیم نجات در جنگ
مؤلف:	علی زهره
نظارت کیفی:	دکتر رابع عارفی میناآباد
نظارت فنی:	محمد معین عارفی
صفحه آرای:	افسانه حسین بیگی
طراح جلد:	مرحبه زهره
چاپ و صحافی:	دی تاب
توبت چاپ:	اول-۱۳۹۴
شمارگان:	۱۰۰۰
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۳۶۱-۱۶۸-۹
قیمت:	۵۰۰۰۰ ریال
نشانی:	میدان انقلاب - کارگر جنوبی - کوچه گشتاسب - پلاک ۴ واحد ۶
تلفن / شماره:	۶۶۴۰۸۲۲۴ - ۶۶۱۲۳۴۴۹
پایگاه اینترنتی:	www.rashedin.info
پست الکترونیک:	Email: rashed1829@yahoo.com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

تقدیم:

به روان مطهر پدر و مادرم که با دستان پینه بسته، با مشقت و پرداختن به امر کشاورزی و
شکل رنج فراوان اما آگاهانه و دلسوزانه، با تعلیم عالی اسلام آشنایم کردند و بر تعلیم و
تربیت من بهشت میباشند تا فردی مفید برای میهن عزیزم ایران باشم.

و

به روح والای شهیدان راه حق و حقیقت، تقدیم به روح پر فتوح حضرت
سیدالشهدا سرور و سالار شهیدان، تقدیم به ارواح مقدس شهدای ۸ سال دفاع
مقدس، و به روح بلند امام راحل (معمار کبیر انقلاب) هم قطاران عزیزم و در رأس
آن یاران هم رزم در بحران سرفراز

دهانیرون

فهرست مطالب

۵	سخن ناشر.....
۷	مقدمه.....
۱۱	سکانس اول: بازداشت به جرم داوطلبانه رفتن به جنگ.....
۱۶	سکانس دوم: شکست حصرآبادان و اولین مجروحیت نویسنده.....
۲۱	سکانس سوم: تشییع پیکر شهدا به همراه انتقال من.....
۲۹	سکانس چهارم: انتقال یک پرستار با هلی کوپتر به سمت ماهشهر.....
۳۳	سکانس پنجم: محاصره و دست گیری اولین گروه اسرا با دست خالی.....
۳۶	سکانس ششم: نحوه درمان و شفای معجزه آسا.....
۴۰	سکانس هفتم: زندگی در شرایط سخت و مقاومت تا پای جان.....
۴۴	سکانس هشتم: داستان های خنده دار و تنبیه به دلیل جنگیدن.....
۴۶	سکانس نهم: شنیدن مجروحیت سایر برادرانم.....
۵۰	سکانس دهم: عملیات مشترک با برادران سپاه پاسداران.....
۵۷	سکانس یازدهم: نجات خلبانی که در میان آتش هلی کوپتر در منطقه.....
۶۳	سکانس دوازدهم: ایستگاه صلواتی در منطقه.....
۶۶	سکانس سیزدهم: نام عملیات هایی که در آنها به طور مستقیم.....
۶۸	سکانس چهاردهم: عبور گلوله از هلی کوپتر بدون حادثه.....
۶۹	سکانس پانزدهم: کتاب هلی کوپتر یا لاگ بوک.....
۷۲	سکانس شانزدهم: خبرنگار صدا و سیما آقای نوباه.....

سخن ناشر

طلوع خورشید انقلاب اسلامی و برچیده شدن بساط طاغوتیان موجب به خطر افتادن منافع نامشروع استکبار جهانی شد که به تبع آن مقابله با حرکت الهی مردم ایران را در پی داشت.

در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ نیروهای عراق با آمادگی قبلی و زمینه‌سازی مناسب حمله به مرزهای ایران در طول نوار مرزی از آبادان تا قصر شیرین را آغاز کردند.

همزمان با این حمله، هواپیماهای ارتش عراق بسیاری از مراکز نظامی و استراتژیک و فرودگاه‌های ایران و نیز ۱۹ شهر را مورد بمباران قرار دادند. قبل از بیان هر چیزی یادآور می‌شود اهداف اصلی عراق در این تهاجم عبارت بودند از:

۱- حاکمیت بر اروندرود و بازپس‌گیری سه جزیره ایرانی خلیج فارس به منظور جبران قرارداد الجزایر.

۲- جداسازی استان خوزستان و الحاق آن به عراق به نام عربستان.

۳- تضعیف جمهوری نوپای اسلامی تا مرز سقوط.

و با این اهداف شوم ارتش تا به دندان مسلح عراق، با در اختیار داشتن ستون پنجم و به دلیل عدم آمادگی نیروهای ایرانی به راحتی وارد خاک جمهوری اسلامی ایران شد و در عرض ۴۸ ساعت به نزدیکی مرز می‌رسد. همان‌گونه که نویسنده خاطرات (علی زهره) در مقدمه خاطرات نشان کرده آنچه که مورد ارزیابی و توجه دشمن در این حملات قرار نگرفته بود میزان فداکاری مردم و مقاومت عناصر بومی بود. بدین شکل استراتژی جنگ سریع به شکست منجر شد. قبل از پرداختن به اصل

مطلب یعنی هشت سال دفاع مقدس شایان ذکر است یادآور شوم که استکبار جهانی در پنجم اردیبهشت همان سال یعنی سال ۱۳۵۹ در صدد بود طی عملیاتی به منظور آزادسازی گروگان‌های آمریکایی از طریق صحرای طبس تهاجمی را آغاز کند که با مشیت الهی این عملیات با شکست مفتضحانه که همگان کم و بیش اطلاع کافی دارند روبرو شد. استکبار پس از شکست چهار ماه بعد عامل خود در منطقه را با نیرویی عظیم راهی مرزهای کشورمان کرد که ۸ سال تمام رزمندگان و مدافعان اسلام با پایمردی و دلاوری مردی طوری متجاوزان را به خاک مذلت نشاند که خاطرات یکی از این قهرمانان در حقیقت نویسنده کتاب «علی زهره» گوشه‌ای از زوایای ناگفته آن روزهای پرمخاطره را بازنگری می‌کند.

انشالله روزی با تدوین سایر خاطراتی که در قلب آحاد عزیزانی که در آن سال‌های جنگ و خون به نحوی از انحاء در اهتزاز پرچم جمهوری اسلامی ایران بر قلل رفیع کرامات از هستی خود گذشتند، تاریخی به یادگار گذاشت. برای تمامی اعصار. نویسنده در قالب ۱۶ خاطره سعی در بازگویی حوادثی کرده که بارها خود تا پای مرگ و شهادت پیش رفته، که شرح هر کدام از این خاطره‌ها می‌تواند یک کتاب خواندنی چند صد صفحه‌ای و یا یک سناریو عامه‌پسند و خوب برای تهیه فیلم و سریال از دفاع مقدس باشد اما به هر صورت این اثر پای موری است به پیشگاه سلیمان.

امید است که آیندگان با مطالعه آن به گوشه‌هایی از مجاهدات دلاوری مردان این سرزمین کهن دست یابند.

مقدمه

اگر بخواهیم وظایف خود را به این انقلاب و میهن عزیز ادا نموده و به سهم خود نقشی را ایفاء نماییم بی شک در صحنه این کشور دلاور خیز بیان خاطرات نقش بسزایی خواهد داشت.

اما به دلیل معاصر بودن دفاع مقدس یا به عبارت دیگر ۸ سال جنگ تحمیلی می تواند در روح و روان آیندگان به ویژه جوانان عزیز، این آینده سازان ایران اسلامی تاثیرگذار باشد و نسل به نسل چونان دوران مشروطه منتقل گردد. از آن جمله موارد تاریخ ساز است و در این رهگذر شنیدن یا خواندن و مکتوب کردن این خاطرات یکی از وظایف مهم دلاور مردانی است که به نحوی از انحاء دستی بر آتش داشتند و هر کدام در پیروزی جنگ نابرابر در مقابل قدرت های جهان، شرافتمندانه نقش مهمی را بازی می کردند (بازی با آتش)، اثبات حق در مقابل باطل، تا نمایانگر آن باشند که جمهوری اسلامی با پشتگر می مردمی و با انکال به وجود لایزال پروردگار متعال توانست اقتدار و عظمت خود را با بهره گیری از نیروهای مسلح، بسیج مردمی و نیروهای سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی نوپا در عرصه گیتی به منصفه ظهور برساند و از اهداف شوم شیاطین پرده بردارد و کوس رسوایی آنان را به پهنای تاریخ به صدا در آورد و اثبات کند مملکتی که با خون هزاران جوان گلگون کفن آبیاری شده، بیمه شهیدانی است که هزار و چهارصد سال پیش در مقابل قوای تا به دندان مسلح یزید ایستادند. آری، شیعه علی و حسین ذلت نمی‌پذیرد. و با الهام از همین آموزه‌ها در آن سال‌های خون و آتش شمارشان «هیئات من الذکة» بود. در طول هشت سال دفاع مقدس یکی از نیروهای تاثیرگذار وجود نیروهای کفر ستیز یگان سرفراز ارتش جمهوری اسلامی ایران «هوانیروز» بود که با بهره‌گیری از ایمان و اعتقاد قلبی به باورهای دینی و اطاعت بی‌چون و چسرا از امام و رهبر خود و حس وطن‌پرستی، درسی به یادماندنی، به دشمنان این مرز و بوم دادند. یگان سرفراز هوا نیروز، با در اختیار داشتن هلی‌کوپترهای کبرا (۲۰۹) و هلیکوپترهای دوگانه (۲۱۴) در خط مقدم و هلی‌کوپترهای شنوک (ترابری) در پشتیبانی و با هلی‌کوپترهای (۲۰۶) در امور فرماندهی و شناسایی تا آخرین روزهای جنگ در منطقه عملیات و در پشت جبهه نقش مهمی داشت این یگان علاوه بر آن، با برخورداری از وجود هواپیماهای موجود خود شرکت در عملیات‌ها به طور مستقیم در پشتیبانی و تخلیه مجروحین نقش ارزنده‌ای ایفا نمود.^۱

هوانیروز که از بدو پیروزی انقلاب اسلامی و متعاقب آن شرکت در غائله کردستان مسئولیت کمک‌رسانی به حوادث غیرمترقبه و بلایای

۱ - چون هوانیروز عمدتاً یگانی است که با هلیکوپتر سروکار دارد لذا به یگان هواپیمایی یگان بال ثابت و به واحدهای هلیکوپتری یگان (بال‌گرد) گفته می‌شود.

طبیعی همچون سیل و زلزله و آتش سوزی را به عهده داشت در سی و یکم شهریور ماه سال ۱۳۵۹ با شلیک اولین گلوله دشمن وارد میدان نبرد شد که نتیجه آن تقدیم شهیدانی بود که لازمه توصیف خصایل هریک از آن عزیزان همچون شهید شیرودی، شهید سید نصراله آسیایی، شهید منصور وطن پور و شهیدان صحرائی و کفاش و محکم کار و ... خود کتابی جداگانه می طلبد که می بایستی دریاها مرکب و جنگل ها قلم شود تا مثنوی هفتاد من کاغذ حاصلش شرح رشادت های این بزرگواران باشد. امروز اگر ایران اسلامی با سربلندی و افتخار مقابل قدرت های خرد و کلان گیتی و در عرصه سیاسی با قدرت اظهار وجود می کند و قدرت های شرق و غرب در مقابل قدرت ایران اسلامی به زانو در آمده، و اگر امروز آرامش و امنیت در کشور پهناور ایران حاکم است، اگر امروز بر رشد و توسعه دانش و فناوری روز دنیا بر خود می بالیم و صدها اگرهای دیگر همه و همه از برکات خون شهدایی است که درخت تنومند انقلاب اسلامی را با خون پاک خود آبیاری کردند.

تاریخ خونبار ما نتیجه ایثار و جان فشانی نیروهایی است که هر یک به سهم خود برای رشد و تعالی این کشور از مال و جان خود، از جوانی خود، از اهل و عیال خود مایه گذاشتند فلذا لازم است همواره یاد آنهایی که عاشقانه در صحنه های نبرد بدون کوچک ترین ادعایی و چشم داشتی با اتکال به خداوند متعال و نیروی ایمان تحت فرماندهی امام راحل و پس از آن مقام عظمای ولایت فرماندهی معظم کل قوا یک صدا و جان بر کف حماسه ها آفریدند را گرامی داشت.

راقم این سطور افتخار این را دارد که در اکثر عملیات‌ها به عنوان فردی کوچک از جامعه‌ای بزرگ و عضو فعال در تیم نجات از سوانح یگان هوانیروز در خط مقدم همراه تیم آتش حضور فعال داشته و به قول برادر عزیزم آقای پرویز طالبیان نویسنده صاحب قلم که ویرایش اثر را به عهده گرفتند، شانزده فقره از مهم‌ترین مأموریت‌هایم را تحت عنوان ۱۶ سکانس از یک فیلم و مجموعه ۸ ساله را به یادگار از خود باقی بگذارم. گو اینکه این نوشتار همان‌طور که ناشر عزیز در مقدمه خود گفتند پسای موری است به پیشگاه سلیمان.

اینک با اتکال به خداوند متعال و به مصداق آیه شریفه

«لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْساً أَلًا وَ سَعَهَا» به بیان این خاطرات می‌پردازیم.

و من الله التوفيق

علی زهره